

چالش‌های مربوط به تعدّد عنوانی جرم در جرایم تعزیری

محمد ابراهیم شمس ناتری* فرهاد صادقی**

(تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۶)

چکیده؛

تشدید مجازات همواره یکی از مهم‌ترین چالش‌های مباحث حقوق جزای عمومی بوده است. تعدّد عنوانی جرم (معنوی، اعتباری) نیز یکی از عوامل تشدید مجازات است که از این قاعده مستثنی نیست. سیاست جنایی قانونگذار ایران بین شخصی که با یک رفتار مرتکب نقض چند ماده از قوانین جزایی می‌شود با شخصی که با رفتارش تنها یک عنوان جزایی را نقض می‌کند تفاوت قائل شده است. ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی که در مقام بیان قاعده تعدّد عنوانی جرم در جرایم تعزیری تنظیم شده است چالش‌های بسیاری را همراه دارد. نگارندگان در این پژوهش مهم‌ترین چالش‌های تعدّد عنوانی از جمله ابهام و تردید در چگونگی تشخیص مجازات اشد، اجراءناپذیر شدن مجازات اشد و نتایج حاصله از آن، چگونگی اعمال مجازات تبعی و تکمیلی و مرز جدایی تعدّد عنوانی و تعدّد نتیجه را بررسی کرده‌اند.

واژگان کلیدی: تعدّد عنوانی جرم، تشدید مجازات، جرایم تعزیری، قانون مجازات.

* دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران.

** کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران (نویسنده مسئول):

مقدمه

مجازات ضمانت اجرایی است که موضوع آن جان، مال، آبرو و حیثیت اشخاص است. با وجود همه تحولات حقوق جزا هنوز اصل مجازات لازمه مهم حفظ نظم اجتماعی انگاشته می شود. جرم همیشه مخالف احساسات، جسم، جان و حقوق افراد است و از این رو واکنش تنفرآمیز و انزجارانگیز آنها را نیز به همراه دارد. هرچند واکنش مزبور در طول تاریخ دچار تحول و تطور شده است، همیشه در شکل اخص آن، یعنی مجازات، خودنمایی کرده و همچون حربه ای علیه تجرّی و تجاوز بزهکاران به کار گرفته شده است (عبدالهی، ۱۳۸۲: ۱). تشدید مجازات یکی از شیوه های فردی کردن کیفرها است که همواره مورد تمسک مراجع قضایی قرار می گیرد و حقوق و آزادی انسان ها را در معرض خطر و یا محدودیت قرار می دهد.

نظام عدالت کیفری در خصوص کسی که مرتکب چند جرم می شود یا رفتار واحد وی نقض چند ماده از مواد قانونی جزایی است تفاوت قائل می شود. از این رو، قانونگذار برای مقابله با چنین فردی اختیار تشدید مجازات را به قضات می دهد. در این راستا، قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ چالش هایی را در این زمینه که ممکن است زمینه ساز مشکلاتی برای اعمال این قواعد شوند برجای گذاشته است؛ برای مثال، این قانون مرزی برای تفکیک تعدّد عنوانی و تعدّد نتیجه قائل نشده است و این ابهام وجود دارد که آیا تعدّد نتیجه از قواعد مقررات تعدّد عنوانی تبعیت می کند یا از تعدّد مادی؟ از این جهت، هدف نگارندگان این است که ابهامات و چالش هایی را که در مورد تعدّد عنوانی جرم وجود دارند و در مرحله اجراء ممکن است بروز نمایند روشن کنند و تا حد امکان راهکاری را جهت برون رفت از این چالش ها ارائه دهند.

برجسته ترین چالش ها عبارتند از: ابهام و تردید در چگونگی تشخیص مجازات اشد، چگونگی اعمال مجازات تبعی و تکمیلی، تقلیل یا عدم اجرای مجازات اشد و نتایج آن، مرز بین تعدّد عنوانی و تعدّد نتیجه. این چالش ها به ترتیب پس از ارائه تعریفی از مفهوم تعدّد عنوانی بررسی می شوند.

۱. مفاهیم

جهت روشن شدن مفهوم تعدد عنوانی، باید مفهوم تشدید مجازات و مفهوم تعدد مادی جرم را ارائه داد. در راستای اصل فردی کردن مجازات‌ها، برخی اوقات رفتاری مجرمانه دارای خطر بیشتری برای جامعه است و یا احساس نفرت و انزجار فراوانی را در جامعه برمی‌انگیزد؛ در این موارد قانونگذار ارتکاب جرم را مشمول مجازات‌های سنگین‌تری می‌کند.

حقوقدانان در مورد جهات تشدید مجازات نظریات مختلفی ارائه کرده‌اند. برخی چنین نوشته‌اند: «جهات تشدید مجازات کیفیاتی هستند که قانونگذار تعیین نموده و قاضی مجبور است در مواجهه با آنها، مجازات بیش از حداکثر مقرر در قانون را برای همان جرم معمول بدارد» (بهری، ۱۳۹۳: ۳۱۶). برخی نیز آن را کیفیات و اوصافی می‌دانند که قانونگذار تعیین کرده است و دادرس به محض احراز آنها به حداکثر و یا بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون برای همان جرم حکم خواهد کرد. سبب‌های مذکور اگر اوضاع و احوال مقارن جرمی خاص باشند، دادگاه مکلف به تشدید مجازات است؛ در این صورت، تشدید مجازات قرینه عذرهای قانونی در تخفیف مجازات است. ولی اگر این سبب‌ها مختص جرمی خاص نباشند، بلکه کیفیاتی عام باشند، هرگاه با جرمی مقارن شوند، شرط تشدید آن جرم به حساب می‌آیند. در این حال، گاه دادرس به حکم قانونگذار ناگزیر از تشدید مجازات و گاه مختار به رد آن است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۷۰). جهات تشدید مجازات به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شوند. جهات عام تشدید مجازات اعم است از تعدد، تکرار و سردستگی گروه مجرمانه.

تعدد جرم نیز به دو نوع تعدد واقعی (مادی) و تعدد عنوانی (اعتباری) تقسیم می‌شود. در فرهنگ دهخدا واژه تعدد به معنای «زیاد آمدن در عدد» و «زیاده از هزار بودن» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۸۰۲). معنای اصطلاحی و حقوقی تعدد جرم نیز از معنای لغوی آن دور نیست. در تعدد مادی (عینی، واقعی) جرم، دادگاه با متهمی که مرتکب بیش از یک جرم شده است مواجه است، اعم از اینکه جرایم متعدد را توأمان و در زمان نزدیک به هم و یا اینکه در زمان‌های کم‌وبیش طولانی مرتکب شده باشد و هیچ یک از جرایم به محکومیت قطعی یا اجرای مجازات

نرسیده باشند (طاهری نسب، ۱۳۸۱: ۳۶). دکتر صانعی نیز تعدّد مادی جرم را بدین شکل تعریف کرده است: « [تعدّد مادی] عبارتند از ارتکاب جرایم متعدّد بدون آنکه متهم برای اتهامات متعدّد پیشین خود به محکومیت قطعی رسیده باشد، اعم از اینکه جرایم در فواصل کوتاه یا طولانی ارتکاب یافته باشند» (صانعی، ۱۳۷۲: ۲۳۲).

به دلیل اختلاف نظر در مصادیق تعدّد عنوانی، ارائه تعریفی دقیق از آن دشوار است. حقوقدانان چنین تعریفی از آن داشته‌اند: «تعدّد معنوی عبارت از آن است که بزهدکار یک عمل مجرمانه انجام می‌دهد که بر عمل واحد او دو یا چند عنوان مجرمانه ممکن است صدق کند» (نوربها، ۱۳۸۲: ۴۵۲)؛ «هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدّد مجرمانه بوده و یا عمل واحد که متضمّن چند وصف جزایی باشد» (شامبیاتی، ۱۳۸۹: ۴۵۷). ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی در تبیین تعدّد عنوانی جرم چنین مقرر می‌دارد: «در جرایم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد دارای عناوین متعدّد مجرمانه باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود». در نتیجه می‌توان تعدّد عنوانی جرم را چنین تعریف کرد: «ارتکاب رفتار واحد، اعم از فعل یا ترک فعل، در جرایم تعزیری که ناقض چند ماده از قوانین جزایی باشد». با این اوصاف تعدّد مادی جرم با ارتکاب چند رفتار محقق‌شدنی است، اما تعدّد عنوانی با ارتکاب رفتار واحد.

۲. چالش‌های تعدّد عنوانی جرم

در ادامه ابهامات و چالش‌های تعدّد عنوانی جرم را مطرح خواهیم نمود. در ابتدا به سنجه‌های تشخیص تعدّد عنوانی جرم که یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به موضوع می‌باشد می‌پردازیم، چراکه بسیاری از چالش‌های برجای‌مانده در رویه قضایی ناشی از عدم شناخت کافی نسبت به این سنجه‌ها است. سپس، سایر چالش‌های مربوط بررسی می‌شوند.

۲-۱. سنجه‌های تشخیص تعدد عنوانی جرم

بررسی چهار مورد زیر جهت تشخیص اینکه رفتاری مشمول تعدد عنوانی می‌شود یا خیر لازم است. عدم وجود هر یک از این موارد برابر است با عدم مصداق تعدد عنوانی بر رفتار ارتكابی.

۲-۱-۱. ارتكاب رفتار واحد

لازمه مهم تحقق تعدد عنوانی آن است که مرتکب با یک رفتار، اعم از فعل یا ترک فعل، چند ماده از قوانین جزایی را نقض کرده باشد. بنابراین، اگر مرتکب رفتارهای متعددی انجام دهد، مشمول مقررات تعدد عنوانی نخواهد شد. برای مثال، اگر شخصی مال امانی را رشوه دهد، این رفتار واحد دارای دو عنوان مجرمانه جداگانه (رشاء و خیانت در امانت) است و قواعد تعدد عنوانی بر آن حاکم است.

۲-۱-۲. شرط توأمان ماهیت جداگانه و کارکرد ویژه

از جهت ماهیت باید تنها یک رفتار از مرتکب سر بزند، ولی همان رفتار دو یا چند جرم لحاظ شود و با دو یا چند ماده قانونی تطبیق پذیر باشد؛ مانند ربودن چادر سر خانمی در خیابان که رفتار واحد مرتکب، واجد دو عنوان مجرمانه است: نخست، سرقت (اعم از مشدد یا ساده) و دوم، توهین عملی (حسب مورد موضوع مواد ۶۱۹ یا ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی-تعزیرات) از جهت کارکرد (اجراء) نیز باید بتوان کیفر اشد را اعمال کرد. کیفر اشد در تعدد عنوانی، گزینش کیفر سنگین تر میان دو یا چند بزه ارتكاب یافته است. از این رو، توهین با یک لفظ به یک گروه چند نفری یا ترک انفاق زوجه و سایر افراد واجب‌النفقه یا ربودن افراد داخل یک اتوبوس با هم، تعدد معنوی نیست؛ زیرا امکان اعمال مجازات اشد در این موارد وجود ندارد. این مثال‌ها از موارد تعدد مجنی‌علیه یا تعدد موضوع هستند و احکام جرم واحد بر آن بار خواهد شد. اما هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۳۴ مورخ ۱۳۶۰ به اشتباه و بدون توجه به کارکرد ویژه، ترک انفاق زوج و فرزند را مصداق تعدد عنوانی دانسته است. این رأی چنین مرقوم می‌دارد: «نظر به اینکه نفقه زن و اولاد واجب‌النفقه که زندگی مشترک

دارند معمولاً یکجا و بدون تفکیک سهم هر یک از آنان پرداخته می‌شود، ترک انفاق زن و فرزند از ناحیه شوهر در چنین حالت ترک فعل واحد محسوب و مستلزم رعایت ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی [۱۳۱ قانون مجازات فعلی] است و آثار و نتایج متعدّد فعل واحد موجب اعمال مقرّرات مربوط به تعدّد جرم نخواهد بود».

۲-۱-۳. تعزیری بودن عناوین مجرمانه

یکی از شرایط تحقّق تعدّد معنوی جرم این است که تمامی عناوین مجرمانه از نوع تعزیری باشند. البته منظور از جرایم تعزیر کردنی در ماده ۱۳۱ این نیست که فقط جرایمی که از ابتدا تعزیر کردنی هستند مشمول ماده هستند، بلکه ممکن است مجازات قصاص باشد و سپس تبدیل به تعزیر شده باشد؛ برای مثال، ممکن است که فردی به قصد قتل دیگری، مواد منفجره‌ای را در اتومبیل وی به کار بگذارد. در این حالت رفتار مرتکب واجد دو عنوان قتل و تخریب است که یکی موجب تعزیر و دیگری موجب قصاص است. ولی اگر اولیای دم نسبت به قصاص گذشت کرده باشند، به موجب ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، در صورتی که اقدام فرد موجب اخلال در نظم و امنیت جامعه شده باشد و یا بیم تجرّی مرتکب یا دیگران رود، دادگاه مرتکب را به سه تا ده سال حبس محکوم می‌کند. در این صورت فعل واحد بزهکار دارای دو عنوان تعزیری تخریب و اخلال موضوع ماده ۶۱۲ می‌شود.

در قانون مجازات اسلامی اگر انجام یک رفتار موجب پدید آمدن دو عنوان مجرمانه شود که یکی مستوجب تعزیر و دیگری مستوجب قصاص، حد یا دیه باشد نصّ صریحی وجود ندارد. اما می‌توان مراد قانونگذار را کشف کرد و در این موارد قائل به قاعده جمع مجازات‌ها بود. در این زمینه ماده ۲۵۲ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر می‌دارد: «کسی که به قصد نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری، لفظی غیر از زنا و لواط به کار ببرد که صریح در انتساب زنا یا لواط به افرادی از قبیل همسر، پدر، مادر، خواهر یا برادر مخاطب باشد نسبت به کسی که زنا یا لواط را به او نسبت داده است محکوم به حدّ قذف و درباره مخاطب، اگر به علت این انتساب اذیت شده

باشد به مجازات توهین محکوم می‌شود». همچنین ماده ۷۰۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مقرر می‌دارد: «هرکس متجاهراً و به نحو علن در اماکن و مجامع عمومی مشروبات الکلی استعمال نماید علاوه بر اجرای حدّ شرب خمر به دو تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می‌شود». همچنین ماده ۶۳۹ همان قانون مقرر می‌دارد: «(...) ب- کسی که مردم را به فساد یا فحشاء تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید. تبصره- هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حدّ قوادی نیز محکوم می‌گردد». همانطور که بررسی شد، نظر قانونگذار در مورد اینکه یک رفتار واجد دو عنوان جزایی حدّی و تعزیری است جمع مجازات‌ها است. تعدد اعتباری در تعزیر و قصاص نیز چنین است. در این مورد ماده ۵۱۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات چنین مقرر می‌کند: «هرکس به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سوء قصد نماید به مجازات مذکور در ماده ۵۱۵ محکوم می‌شود (...) تبصره- چنانچه سوء قصد منتهی به قتل یا جرح یا ضرب شود علاوه بر مجازات مزبور به قصاص یا دیه مطابق ضوابط و مقررات مربوط محکوم خواهد شد». همچنین، رأی وحدت رویه شماره ۱-۱۳۶۵/۲/۲ در جمع تعزیر با دیه یا قصاص مقرر می‌دارد: «با تصویب قانون حدود و قصاص و دیات در سال ۱۳۶۱ مجازات جرح عمدی با چاقو با لحاظ مواد ۵۵ و ۶۳ قانون حدود و قصاص تعیین می‌شود مگر اینکه اقدام به چاقو کشی از مصادیق جرایم دیگری نظیر عناوین مذکور در قانون حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد و اخلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی مصوب ۱۳۳۶ باشد که در این صورت تعیین مجازات با این عنوان هم بلا اشکال است (...)».

۲-۱-۴. هم‌سنخ بودن عناوین مجرمانه متعدّد

در تعدّد عنوانی باید بین عناوین مجرمانه یک سنخیت و هم‌نوعی وجود داشته باشد. بنابراین، بین جرایم ساده^۱ با مرکّب^۲، جرایم آنی^۳ با مستمر^۴ و جرایم به عادت^۵ و ساده تعدّد عنوانی برقرار نمی‌شود. در این موارد امکان اینکه همزمان چند ماده از قوانین جزایی نقض شود وجود ندارد، چون یکی از شرایط اصلی تعدّد عنوانی را از دست می‌دهد. با وجود این، برخی از استادان استفاده از سند مجعول (جرم ساده) و کلاهبرداری (جرم مرکّب) را تعدّد عنوانی دانسته‌اند و معتقدند که هرگاه استفاده‌کننده از سند مجعول قصد بردن مال دیگری را نداشته باشد، رفتار وی تنها استفاده از سند مجعول خواهد بود. اما اگر قصد بردن مال دیگری را داشته باشد و موفق هم بشود، تحت هر دو عنوان استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری می‌توان او را تعقیب می‌کرد و در چنین حالتی بنا بر حکم ماده ۱۳۱ (تعدّد عنوانی) مجازات اشد بر او بار خواهد شد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۳۷۴). اما باید گفت که تعدّد عنوانی بین این دو عناوین مجرمانه برقرار نیست، زیرا استفاده از سند مجعول همزمان شروع به جرم کلاهبرداری است که هنوز یک گام به تحقق بزه تام کلاهبرداری باقی است. در واقع، استفاده از سند مجعول مصداقی از توسّل و استفاده از وسایل متقلّبانه است (رفتار نخست) و هنوز رفتار دوم که بردن مال دیگری

۱. جرمی است که رکن مادی آن از یک رفتار واحد تشکیل شده است؛ مانند سرقت، قتل، جعل و ...

۲. جرمی است که رکن مادی آن از دو یا چند رفتار به وجود می‌آید و برای تحقق جرم، ارتکاب همه رفتارها توسط مرتکب لازم است؛ مانند کلاهبرداری موضوع ماده ۱ قانون تشدید مجازات ارتشاء ... و موضوع ماده ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات.

۳. جرمی است که رفتار مجرمانه در فاصله زمانی کوتاهی انجام می‌گیرد (هرچند که ممکن است نتیجه مجرمانه با گذشت زمان محقق گردد)؛ مانند سرقت و قتل.

۴. جرمی است که رفتار آن در طول زمان ادامه دارد و جرم در هر لحظه در حال تجدید حیات است؛ مانند حمل اسلحه نامجاز و ترک انفاق.

۵. جرمی است که ارتکاب آن منوط به تکرار یک رفتار است. برخی از دکترین برای تحقق جرم به عادت دو بار تکرار را لازم می‌دانند؛ مانند تکدی‌گری و ولگردی.

است و شرط بزه تام کلاهبرداری است محقق نشده است. هر چند توالی وقوع این دو رفتار با فاصله زمانی اندک تصور کردنی است، تصور جمع این دو رفتار در فعل واحد ناممکن است. بنابراین، می‌توان گفت اگر جرم تام کلاهبرداری اتفاق افتاده باشد، از مصادیق تعدد مادی جرم است و اگر جرم تام کلاهبرداری اتفاق نیفتاده باشد، می‌توان قائل به تعدد عنوانی بین جرایم استفاده از سند مجعول و شروع به کلاهبرداری بود؛ زیرا هر دو عنوان جزایی پیش گفته از جرایم ساده محسوب می‌شوند (البته اگر قائل بر آن باشیم که استفاده از سند مجعول، مستهلک در جرم کلاهبرداری است).

۳. ابهام و تردید در چگونگی تشخیص مجازات اشد

در تعدد عنوانی جرم به موجب ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی^۱ تنها یک مجازات تعیین می‌شود و آن مجازات عنوان مجرمانه‌ای است که اشد از دیگر عناوین است. حال باید دید ملاک تشخیص مجازات اشد چیست و چه مجازاتی شدیدتر از مجازات‌های دیگر است؟ ابتدا باید بین مجازات اشد و اشد مجازات قائل به تفکیک شد. مجازات اشد عبارتند از مجازات شدیدتر بین دو عنوان مجرمانه که دارای مجازات‌های مختلف هستند. اما اشد مجازات همان حداکثر مجازات مقرر در قانون برای هر جرم است، بدین نحو که گاهی قانونگذار برای برخی از جرایم تعزیری حداقل و حداکثری معین می‌کند که قاضی با توجه به اصل تفریدی بودن مجازات‌ها بین حداقل و حداکثر مختار است. حال باید توجه داشت که اعمال مجازات اشد ملازمه با اشد مجازات ندارد و ممکن است دادرس مجازات اشد را اعمال کند، اما به اشد مجازات (حداکثر مجازات) حکم ندهد.

در نظام‌های کیفری که جرایم بر حسب شدت و ضعف مجازات‌ها طبقه‌بندی شده‌اند تشخیص مجازات اشد از اخف چندان دشوار نیست. قانون مجازات عمومی سابق مجازات را به سه دسته

۱. «ماده ۱۳۱- در جرایم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدّد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم

می‌شود».

جنایات، جنبه و خلاف تقسیم کرده بود و در آن جنایات از جنبه و جنبه از خلاف شدیدتر بود. در حال حاضر برای تشخیص مجازات اشد به دو رویکرد می‌توان متوسل شد. در رویکرد نخست شدت و ضعف مجازات‌ها را بر اساس معیارهای کمی و کیفی خواهیم سنجید و در رویکرد دوم درجه مجازات‌ها را ملاک قرار خواهیم داد. حال باید دید که نظام قضایی ما باید کدام شیوه را در اعمال آن درنگرد و بر اساس آن مجازات اشد را تعیین کند.

۳-۱. شدت و ضعف مجازات‌ها بر اساس معیارهای کمی و کیفی

الف) معیار کیفی: یکی از ملاک‌هایی که در تعیین مجازات اشد از اخف وجود دارد مقدار صدمه یا خسارتی است که به مجرم از اجرای مجازات وارد می‌شود. در مورد نوع مجازات باید گفت که آنچه در قواعد حقوقی از نظر ملاک شدت مجازات پذیرفته شده است بدین ترتیب است: ۱. مجازات‌های سالب حیات؛ ۲. مجازات‌های قطع و قصاص عضو؛ ۳. مجازات‌های محدودکننده آزادی، مانند حبس؛ ۴. شلاق؛ ۵. جزای نقدی (شمس ناتری، ۱۳۹۳: ۸۷).

اینکه در طبقه‌بندی جرایم باید مجازات‌های بدنی تنها به شدیدترین جرایم اختصاص یابند و سایر جرایم بر اساس این شدت و ضعف طبقه‌بندی شوند از موجبات اصل تناسب بین جرم و مجازات است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۲: ۲۹).

ب) معیار کمی: در مورد مجازات‌هایی که از یک نوع و با کمیّت ثابت هستند، برای تعیین مجازات اشد باید درجه و میزان مجازات آنها در نظر گرفته شود و مجازاتی که میزان آن بیشتر است شدیدتر محسوب می‌شود. برای مثال، ۵ سال حبس اشد از ۴ سال حبس است. اما در مورد مجازات‌هایی که بین حداقل و حداکثر در نوسان هستند، اگر حداقل دو مجازات برابر باشد، مجازات با حداکثر بیشتر شدیدتر است. از این رو، مجازات ۶ ماه تا ۲ سال شدیدتر از مجازات ۶ ماه تا ۱ سال است. اما اختلاف جایی نمایان می‌شود که حداکثر یکی از مجازات‌ها بیشتر و حداقل آن کمتر از مجازات‌های دیگر باشد. برای مثال، اگر مجازات جرمی ۲ تا ۶ سال و

مجازات جرمی دیگر ۱ تا ۷ سال باشد، حقوقدانان در این حالت مجازاتی را که حداکثر آن بیشتر است اشد محسوب می‌کنند (گلدوزیان، ۱۳۸۱: ۹۰).

۳-۲. شدت و ضعف مجازات‌ها با توجه به درجه آنها

با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تنظیم ماده ۱۹ این قانون در مورد درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری، معیارهای کمی و کیفی برای تشخیص مجازات اشد تا حدی کارایی خود را از دست دادند. با وجود این، پیش‌بینی می‌شد که دیگر چالش مهمی در زمینه تشخیص مجازات اشد به وجود نیاید. بر اساس این ماده، مجازات‌های تعزیری به ۸ درجه تقسیم می‌شوند، چنانکه مجازات‌های مندرج در درجه ۱ شدیدترین مجازات‌ها و مجازات‌های درجه ۸ خفیف‌ترین مجازات‌ها هستند. با تدوین این ماده در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجازات اشد را باید بر اساس این مقررّه تشخیص داد و استفاده از معیارهای کمی و کیفی، که پیش‌تر ذکر شدند، در تشخیص مجازات اشد ما را یاری نمی‌دهند. درجه‌بندی مجازات‌ها بر اساس ماده ۱۹ تنها برای تعیین درجه مجازات است و تأثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات‌های مقرر در قانون ندارند.^۱

حال پرسش این است که اگر در تعدد عنوانی، مجازات یک عنوان جزای نقدی به میزان یکصد میلیون ریال باشد و مجازات عنوانی دیگر ۲ سال حبس باشد، کدام یک از این مجازات‌ها اشد محسوب می‌شود؟ از یک سو جزای نقدی به میزان یکصد میلیون ریال درجه ۵ محسوب می‌شود و از سوی دیگر مجازات ۲ سال حبس از درجه ۶. گذشته از اینکه در درجه‌بندی مجازات‌ها، حتی در یک درجه توازن و تناسبی بین مجازات‌ها وجود ندارد،^۲ به تصریح تبصره

۱. تبصره ۴ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی: «مقررات این ماده و تبصره‌های آن تنها جهت تعیین درجه مجازات است و تأثیری

در میزان و حداقل و حداکثر مجازات‌های مقرر در قوانین جاری ندارد».

۲. برای نمونه مجازات‌های مندرج در درجه هشت عبارتند از:

(۱) حبس تا سه ماه؛

(۲) جزای نقدی تا ۱۰ میلیون ریال؛

۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است (...).» چون جزای نقدی در درجه ۵ و حبس در درجه ۶ است، مجازات جزای نقدی مجازات اشد محسوب می‌شود. پس قانونگذار ملاک در شدت و ضعف مجازات‌ها را درجات ۸ گانه ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی می‌داند. بنابراین، باید سابقه قانونگذاری در تشخیص مجازات اشد را به دست فراموشی سپرد و در حال حاضر به وضعیت کنونی توجه کرد. اما اداره حقوقی قوه قضائیه از این ملاک قانونگذار عدول کرده است و در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۰۱۷-۹۲/۶/۲ چنين مقرر می‌دارد: «برای تشخیص درجه مجازات جرایم مطابق تبصره ۲ و ۳ ماده ۱۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ باید حداکثر مجازات (مجازات اشد)^۱ ملاک قرار گیرد و در صورتی که جرمی دارای مجازات حبس یا جزای نقدی به صورت تخییری باشد برای تشخیص درجه مجازات، مجازات حبس که شدیدتر از جزای نقدی است ملاک ضابطه تعیین درجه است.»

روشن نیست که اداره حقوقی بر چه مبنایی مجازات حبس را شدیدتر از مجازات جزای نقدی می‌داند، اما در مقام تفسیر این نظریه مشورتی می‌توان گفت که این نظریه به موردی اشاره دارد که مجازات‌های حبس و جزای نقدی هر دو در یک درجه قرار گیرند و آنگاه حبس را ملاک مجازات اشد قرار دهیم. با وجود این تفسیر، دیگر نیازی به صدور چنین نظریه‌ای نبود، چرا که

(۳) شلاق تا ۱۰ ضربه.

حال اگر در این مورد مجازات حبس را معیار قرار دهیم، حداکثر آن ۹۰ روز و بر اساس روزی سی هزار تومان، معادل دو میلیون و هفتصد هزار تومان و نیز بر اساس احتساب هر روز بازداشت موقت با سه ضربه شلاق، معادل دویست و هفتاد ضربه شلاق می‌شود. در حالی که کیفر شلاق مقرر در این درجه معادل یک بیست و هفتم و جزای نقدی مقرر در این درجه حدوداً معادل یک سوم مجازات‌های یادشده است. حال اگر کیفر شلاق، ملاک اصلی قرار گیرد، حداکثر آن یعنی ده ضربه تقریباً با سه روز حبس توازن دارد که کیفر حبس مندرج در ماده سی برابر آن است.

۱. در این مورد نیز اداره حقوقی قوه قضائیه بین مجازات اشد و اشد مجازات دچار اشتباه شده است. بلکه باید بین پرائتر از واژه «اشد مجازات» استفاده می‌شد.

تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی^۱ حکم قضیه را مشخص کرده است. بنابراین، اگر مجازات یک عنوان مجرمانه حبس باشد و مجازات عنوان دیگر جزای نقدی، ولی هر دو در یک درجه قرار گیرند، با توجه به تبصره ماده ۱۹ مجازات حبس شدیدتر از جزای نقدی محسوب می‌گردد. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز پیش‌تر در چندین نظریه، مجازات حبس را اشد از شلاق و جزای نقدی دانسته بوده است که با توجه به درجه‌بندی مجازات‌ها نمی‌توان این نظریات را توجیهی بر خلاف استدلال پیش‌گفته دانست.^۲

باری، دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه‌ای مبنای قانونگذار را از درجه‌بندی مجازات به طور کلی از بین برد. رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴-۱۹/۸/۱۳۹۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور چنین مقرر می‌کند: «مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، قانونگذار هر یک از مجازات‌ها را در درجه‌ای خاص قرار داده که قرار گرفتن هر مجازات در مرتبه‌ای معین در عین حال مبین شدت و ضعف آن کیفر نیز می‌باشد، لکن در هر یک از این درجات نیز کیفرهای غیر متجانس وجود دارد که به لحاظ عدم امکان سنجش آنها با یکدیگر، تشخیص کیفر اشد در بین آنها بعضاً با اشکال مواجه می‌گردد؛ به منظور رفع اشکال، تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون یادشده، در مقام بیان قاعده، مقرر می‌دارد: (...) در صورت تعدد مجازات‌ها و عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است (...). علاوه بر این در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی، از جزای نقدی به عنوان «بديل مناسب‌تر» مجازات حبس (در مقام تخفیف و تبدیل آن مجازات) و کیفر جایگزین مجازات حبس که علی‌القاعده ماهیت خفیف‌تر و ملایم‌تری از حبس دارد، استفاده شده است و عرف و سابقه قانونگذاری در کشور ما نیز

۱. تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی: «(...) در صورت عدم امکان تشخیص مجازات

شدیدتر، مجازات حبس ملاک است».

۲. نظریه مشورتی شماره ۷/۳۲۷ - ۱۳۶۳/۱/۱۸: «چون در قانون راجع به مجازات اسلامی درجات مجازات از حیث شدت و ضعف تعیین نشده است، تشخیص شدت و ضعف مجازات به نظر عرف است و اجمالاً می‌توان گفت که جزای نقدی اخف از حبس و شلاق است». نظریه مشورتی شماره ۷/۷۱۴۶ - ۱۳۷۷/۱۰/۲۳: «مستنبط از قوانین جزایی سابق و فعلی مخصوصاً قانون جرایم نیروهای مسلح آن است که حبس اشد از جزای نقدی و شلاق است».

حکایت از صحت چنین استنباطی دارد. بنا به مراتب مذکور، به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور، در مواردی که مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و بالتیجه صلاحیت دادگاه است. این رأی مطابق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

لازم به ذکر است این رأی وحدت رویه بر مبنای منطبق حقوقی صادر نشده، بلکه تنها برای کاهش حجم پرونده‌های واصله (در مقام تجدیدنظر) به دیوان عالی کشور، مخصوصاً جرایم کلاهبرداری تنظیم شده است. با این تفاسیر، باید همچنان درجه بندی مجازات‌های تعزیری مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن، در تشخیص مجازات اشد در تعدد عنوانی ملاک قرار گیرد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۹۴)؛ زیرا این رأی وحدت رویه مربوط به مواردی است که یک عنوان مجرمانه، دو نوع مجازات داشته باشد، مانند کلاهبرداری.^۱ همچنین، چون این رأی وحدت رویه مخالف متن صریح قانون است، باید در همین محدوده تفسیر شود و نباید آن را به دیگر موارد مشابه تسری داد. بنابراین، تنها درجه بندی مجازات‌ها را باید ملاک تشخیص عنوان اشد قرار داد. به تازگی نیز طرحی در مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲» در حال بررسی است که در ماده ۳ این طرح قانونگذار بر آن است تبصره ۳ کنونی ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی را بدین نحو اصلاح کند: «در صورت ارتکاب جرم یا جرایم متعدّد، مجازاتی شدیدتر محسوب می‌شود که در درجه بالاتر قرار می‌گیرد. چنانچه مجازات‌های جرایم متعدّد از حیث درجه جرم ارتكابی یکسان باشند، ملاک تعیین جرم اشد، به ترتیب حبس، شلاق و جزای نقدی اشد است (...).» اما مناسب

۱. ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری: «هر کس از راه حيله و تقلب (...) کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود.»

بود قانونگذار همزمان با اصلاح این قانون، ماده ۱۹ را نیز در دستور اصلاح قرار دهد تا در میان مجازات‌های مندرج در یک درجه توازن برقرار شود.

حال چالش دیگر این است که اگر مجازات هر دو عنوان مجرمانه یکسان باشد تکلیف چیست؟ برای مثال، به اعتقاد برخی حقوقدانان تخریب مال امانی فعل واحد دارای عناوین متعدد مجرمانه است. عنوان تخریب موضوع ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است که مجازات آن ۶ ماه تا ۳ سال حبس است و عنوان دیگر خیانت در امانت موضوع ماده ۶۷۴ قانون مزبور است که مجازات آن نیز ۶ ماه تا ۳ سال حبس است. حال باید دید کدام مجازات اشد محسوب می‌شود، چراکه آثار آن می‌تواند متفاوت باشد. در پاسخ این پرسش به نظر می‌رسد که باید گفت دادرس باید به سایر کیفیات توجه کند و هر عنوانی را که ممنوعیت بیشتری برای مرتکب در پی دارد درنگرد. برای مثال، اگر یکی از عناوین مجرمانه دارای مجازات تبعی و دیگری فاقد آن باشد، عنوانی که دارای مجازات تبعی است مجازات اشد محسوب می‌شود. همچنین، اگر یکی از عناوین گذشت‌پذیر و عنوان دیگر گذشت‌ناپذیر باشد، دادرس عنوان گذشت‌ناپذیر را ملاک قرار می‌دهد (بسامی، ۱۳۹۳: ۴۸). اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۹۲/۱۰۱۷-۹۲/۶/۲ نیز چنین مقرر می‌دارد: « (...) در صورتی که مجازات‌های اصلی جرایم متعدد یکسان باشد مجازاتی که آثار تبعی دارد یا آثار تبعی آن بیشتر است مجازات اشد محسوب می‌گردد (...)». در صورتی که از این جهات نیز وجه مرجحی مشاهده نشود، به صلاحدید دادرس دادگاه مرتکب به یکی از اتهامات محکوم و مجازات می‌شود (طاهری نسب، ۱۳۸۱: ۲۳۸). این استدلال در طرح اصلاحیه‌ای که پیش‌تر ذکر شد مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است، چنانکه در ماده ۳ این طرح چنین مقرر شده است: « (...) در صورتی که جرایم متعدد دارای مجازات‌های با نوع و درجه یکسان باشند، مجازاتی اشد محسوب می‌گردد که در کنار این موارد، مجازات‌های دیگری نیز برای آن پیش‌بینی شده باشد». در نتیجه باید بر آن بود که دادرس باید به سایر کیفیات مشدد توجه کند و کیفری را که واجد کیفیات مشدده بیشتری باشد همچون مجازات اشد برگزیند.

۴. تقلیل یا عدم اجرای مجازات اشد و نتایج آن

دعوی عمومی علیه مجرم پس از جریان تا زمان اجرای مجازات متوقف نمی‌شود. با وجود این، دعوی عمومی در موارد معینی که قانونگذار تصریح کرده است ساقط می‌شود.^۱ حال پرسش این است که اگر در تعدد عنوانی، مجازات اشد به هر علت تقلیل پیدا کرد یا ساقط شد، آیا به سراغ مجازات خفیف‌تر خواهیم رفت یا خیر؟ قانون در این مورد ساکت است، اما حقوقدانان در این زمینه نظریات متفاوتی ارائه داده‌اند. برخی بر این باورند که شمول یکی از جهات عمومی نسبت به عنوان اشد، به معنای سقوط کل دعوی عمومی نیست و می‌توان نسبت به تعقیب عنوان اخف اقدام کرد (علی‌آبادی، ۱۳۸۵: ۲۰۷ و مصدق، ۱۳۹۳: ۶۷). برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند که پاسخ به این پرسش بستگی به این دارد که دادگاه فقط برای عنوان اشد تعیین مجازات می‌کند یا تمام عناوین؟ اگر بگوییم دادگاه فقط برای عنوان اشد تعیین مجازات می‌کند، مجازات اشد به هر دلیل که اجراء نشود، سایر مجازات‌ها نیز اجراء نمی‌شود. اما اگر بگوییم که دادرس برای همه عناوین مجازات تعیین می‌کند، به این معناست که اگر مجازات

۱. ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «تعقیب امور کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات

موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

الف) فوت متهم یا محکوم‌علیه؛

ب) گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت؛

پ) شمول عفو؛

ت) نسخ مجازات قانونی؛

ث) شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛

ج) توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛

چ) اعتبار امر مختوم».

اشد به هر دلیلی منتفی شد، مجازات بعدی که نسبت به اشد کمتر بوده است اعمال می‌شود؛ زیرا هدف قانونگذار این بوده است که مرتکب رفتار مجرمانه دارای عناوین متعدد به یک مجازات محکوم شود. بنابراین، برای مثال اگر شاکی از عنوان اشد که گذشت پذیر است گذشت کند، امکان تعقیب نسبت به عنوان اخف وجود دارد (طاهری نسب، ۱۳۹۳: ۷۷). برخی نیز بر این باورند که هرگاه مجازات اشد به هر علتی اجرائی نباشد، نمی‌توان به سراغ مجازات اخف رفت (مدرس، ۱۳۵۶: ۱۳).

نگارندگان در این مورد بر آن هستند که اگر متهم از عنوانی که مجازات آن اشد است برائت حاصل کرد، امکان محاکمه وی بر اساس عنوان اخف وجود دارد، چراکه رهایی از عنوانی که مجازات آن اشد است نافی عنوان اخف نیست. برای مثال، اگر شخصی مال نامنقول مورد امانت را به فروش رساند، رفتار وی دارای دو عنوان مجرمانه (فروش مال غیر و خیانت در امانت) است. حال اگر متهم به هر دلیلی از عنوانی که مجازات آن اشد است (فروش مال غیر) برائت حاصل کند، دادرس می‌تواند وی را در مورد عنوان مجرمانه اخف (خیانت در امانت) محاکمه کند. اما در مورد اینکه مجازات اشد تخفیف پیدا کند یا تبدیل شود یا اجراءناشدنی گردد، باید بر این نظر بود که دیگر رجوع به مجازات اخف امکان‌پذیر نیست، چراکه قانونگذار در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی در مورد تعدد مادی چنین مقرر داشته است: «...» در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا غیرقابل اجراء شود، مجازات اشد بعدی اجراء می‌گردد». اما چنین قیودی را در ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی راجع به تعدد عنوانی ذکر نکرده است و این قرینه‌ای است بیانگر آنکه اگر مجازات اشد به هر علت قانونی تقلیل یافت یا اجراءناشدنی گشت، دیگر به سراغ مجازات خفیف نخواهیم رفت. همچنین، در تعدد عنوانی قاضی فقط برای عنوان اشد مجازات تعیین می‌کند و آن را مورد حکم قرار می‌دهد. افزون بر این، اگر معتقد باشیم در صورت سقوط مجازات اشد، مجازات اخف اجراءشدنی است، این امر منجر به این نتیجه نادرست خواهد شد که دعوی عمومی در تعدد عنوانی اصلاً ساقط نمی‌شود. برای مثال، چنانچه عنوان مجازات اشد

مشمول مرور زمان، گذشت شاکی، عفو و ... گردد، با توجه به اینکه عنوان اخف وجود دارد، مجرم از موارد سقوط دعوای عمومی بهره‌مند نخواهد شد. تفسیر به نفع متهم نیز مؤید همین مطلب است. در پایان لازم به ذکر است که اجراء یا عدم اجرای مجازات اشد خللی به اقامه دعوای خصوصی ناشی از عناوین مجرمانه متعدّد وارد نخواهد کرد.^۱

۵. چگونگی اعمال مجازات‌های تبعی و تکمیلی در تعدّد عنوانی

یکی از ابهامات قانونگذار در تعدّد عنوانی جرم که می‌تواند زمینه‌ساز تفاسیر متفاوتی از جانب قضات باشد چگونگی اعمال مجازات تبعی و تکمیلی در تعدّد عنوانی جرم است. در این قسمت ابتدا مجازات‌های تبعی و سپس مجازات‌های تکمیلی بررسی می‌شوند.

۱-۵. مجازات‌های تبعی

مجازات‌های تبعی از آثار مترتب بر محکومیت به مجازات اصلی هستند و هیچ‌گاه در حکم دادگاه قید نمی‌شوند. مجازات‌های تبعی به شکل محرومیت از حقوق اجتماعی نمودار می‌گردند. ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند (...).» حال پرسش اصلی این است که در تعدّد عنوانی مجازات تبعی بر کدام عنوان مجرمانه بار می‌شود؟

برخی از حقوقدانان اجرای مجازات تبعی را تابع مجازات اصلی می‌دانند و در فرض پرسش، وقتی مجازات اصلی اجراء ناشدنی است، مجازات تبعی نیز اجراء شدنی نخواهد بود. از این رو، اگر مجازات اشد دارای مجازات تبعی بود، مجازات تبعی افزون بر مجازات اصلی بر مرتکب بار می‌شود. در غیر این صورت، اعمال مجازات تبعی عنوان اخف فاقد جاهت قانونی است.

۱. ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «سقوط دعوای عمومی موجب سقوط دعوای خصوصی نیست. هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است در صورتی که دعوای خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید.»

اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۰۱۷-۱۳۹۲/۶/۲ چنین مقرر می‌دارد: «ضابطه تشخیص مجازات اشد در محکومیت‌های متعدد، مجازات اصلی جرایم بدون توجه به آثار تبعی آنهاست و در صورتی که مجازات اصلی جرایم متعدد یکسان باشد، مجازاتی که آثار تبعی دارد یا آثار تبعی آن بیشتر است مجازات اشد محسوب می‌گردد. بنابراین اگر مجازات اصلی فاقد آثار تبعی باشد نمی‌توان آثار تبعی مجازات دیگر را بر آن بار نمود؛ زیرا طبق ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، آثار تبعی محکومیت کیفری در جرایم عمدی پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان اعمال می‌شود و منظور از «حکم» در این ماده، همان حکمی است که دارای آثار تبعی است. لذا در فرض سؤال با اجرای مجازات اشدی که فاقد آثار تبعی است، جایگاهی برای اجراء ندارد و اجرای آن منتفی است. بنابراین، آثار تبعی نیز منتفی می‌گردد».

دکتر مصدق این استدلال اداره حقوقی را درست نمی‌داند. ایشان معتقدند متهم در این فرض، صرف نظر از اجرای مجازات، به مجازات جرمی محکوم شده است که دارای آثار تبعی است و ملاک و معیار در آثار تبعی موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، محکومیت است، نه اجرای مجازات. همچنین، اینکه قانونگذار در اجرای مجازات اصلی از بین روش‌های مختلف، روش اجرای مجازات اشد را برگزیده است، مجوزی برای عدم اجرای مجازات تبعی نیست، زیرا اثر تبعی برای محکومیت به جرم است، نه اجرای مجازات (مصدق، ۱۳۹۳: ۱۲۱). به نظر می‌رسد این عقیده با منطق و عدالت سازگارتر است، چرا که مجازات‌های تبعی متعلق مجازات نیستند، بلکه مربوط به جرم هستند و مجازات اصلی خفیف‌تر به دلیل ممنوعیت قانونی اعمال‌شدنی نیست، اما این مانع اعمال مجازات‌های دیگر نخواهد شد. همچنین، مصلحت عموم و جامعه اقتضاء می‌کند که مجازات‌های تبعی به هر شکل اجراء شوند. در واقع، منطقی نیست اگر فردی با یک رفتار مرتکب جرمی شود که یک عنوان مجرمانه داشته باشد و این عنوان مجرمانه دارای آثار تبعی باشد، مجازات تبعی بر وی بار شود، اما اگر همین شخص مرتکب رفتاری واحدی شود که افزون بر این عنوان مجرمانه، عنوان مجرمانه شدیدتری داشته باشد که فاقد آثار تبعی

است، مجازات تبعی بر وی بار نشود. لازم به ذکر است که اگر هر دو عنوان مجرمانه واجد مجازات‌های تبعی باشند، تنها مجازات تبعی عنوان اشد بر مرتکب بار خواهد شد و جمع مجازات‌های تبعی فاقد مجوز قانونی است.

۲-۵. مجازات‌های تکمیلی

چالش اصلی آن است که آیا امکان اعمال مجازات تکمیلی در تعدّد معنوی جرم وجود دارد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، مجازات تکمیلی کدام عنوان مجرمانه بر مرتکب بار می‌شود؟ مجازات‌های تکمیلی (تتمیمی) به مجازات‌هایی گفته می‌شود که در تکمیل مجازات اصلی به آن افزوده می‌شوند و افزون بر اینکه باید در دادنامه ذکر شوند، هیچ‌گاه به تنهایی مورد حکم قرار نمی‌گیرند. در واقع، مجازات‌های تکمیلی زمانی اعمال خواهند شد که دادرس تشخیص دهد که مجازات اصلی جهت اصلاح و تنبیه مجرم کافی نیست. ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی در تبیین مجازات تکمیلی مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا تعزیرات درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید (...).»

با توجه به اینکه اعمال مجازات‌های تکمیلی از اختیارات دادرس است، در تعدّد عنوانی مانعی جهت اعمال مجازات تکمیلی وجود ندارد و دادگاه این اختیار را دارد که در صورت صلاحدید، مجازات تکمیلی را متناسب با عناوین مجرمانه همراه با مجازات اصلی بر مرتکب بار کند.

۶. مرز جدایی تعدّد عنوانی و تعدّد نتیجه

نخستین موضوعی که در بحث تعدّد نتیجه مطرح می‌شود و باید تمرکز موضوع را بر آن محور قرار داد مفهوم تعدّد نتیجه است. تبصره ۱ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی در مورد تعدّد نتیجه

چنین مقرر می‌دارد: «در صورتی که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدّد حاصل شود، طبق مقررات فوق عمل می‌شود». در ابتدا باید دید در این تبصره نتیجه در مفهوم مادی آن به کار برده شده است یا در مفهوم قانونی آن؟ نتیجه در مفهوم مادی بدین معناست که هر جرمی ممکن است متشکل از سه جزء رفتار، موضوع و نتیجه باشد، در این مفهوم نتیجه جزئی از عنصر مادی است. اما اگر نتیجه را در معنای قانونی آن درنگریم بدین معنا که منظور از نتیجه حق یا مصلحتی باشد که قانونگذار از آن حمایت کرده است، نتیجه‌ای متفاوت حاصل می‌شود. آنچه به نظر می‌رسد این است که مقصود قانونگذار از نتایج مجرمانه در تعریف فوق، نتیجه در مفهوم قانونی آن نیست، بلکه نتیجه در مفهوم مادی آن مورد توجه بوده است؛ زیرا اگر نتیجه در مفهوم قانونی آن مدنظر بوده باشد، بین تعدد عنوانی جرم ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی و تعدد نتیجه تفاوتی وجود نخواهد داشت. در واقع، در تعدد عنوانی جرم نیز بر اثر رفتار واحد، چند ارزش یا حق مورد حمایت قانونگذار نقض می‌شوند. برای مثال، شخصی که با جعل اسناد مال دیگری را می‌برد، رفتار وی از یک سو موجب تعدی به اموال مردم و از سوی دیگر موجب سلب اعتماد عمومی نسبت به اسناد می‌شود؛ در این حالت مصلحت‌های قانونی متعدّد نقض گردیده است، اما مورد از مصادیق تعدد نتایج مجرمانه نیست (بسامی و وروایی، ۱۳۹۴: ۵ و ۶).

وجه اشتراک تعدد عنوانی با تعدد نتیجه در این است که هر دو مورد با رفتار واحد مرتکب رخ می‌دهند. بنابراین، هم در تعدد عنوانی و هم در تعدد نتایج، بیش از یک رفتار از مرتکب سر نخواهد زد. اما وجه افتراق این دو در آن است که نخست، در تعدد عنوانی، نتیجه به معنای قانونی آن واقع می‌شود، ولی در تعدد نتیجه، نتیجه به معنای مادی آن. دوم، در تعدد نتیجه، دو جرم حاصله در طول هم و برخی ناشی از دیگری هستند (قیاسی، ۱۳۸۸: ۱۳۷)، مانند اینکه شخصی با مسموم کردن آب باعث از بین رفتن ماهی‌ها و خشک شدن درختان شود که حوادث بعدی معلول مسموم کردن آب است، اما در تعدد عنوانی دو جرم حاصله در عرض هم هستند و یکی ناشی از دیگری نیست. سوم، تعدد نتیجه تنها در جرایم مقید^۱ محقق‌شدنی است، اما تعدد

۱. جرایمی هستند که وقوع نتیجه شرط تحقق جرم است؛ مانند جرم قتل که مرگ شرط تحقق آن است.

عنوانی ممکن است در جرایم مطلق^۱ نیز تحقق یابد. چهارم، تعدد عنوانی از قواعد ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی تبعیت می‌کند، اما تعدد نتیجه از ماده ۱۳۴ قانون مزبور.

نتیجه

ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که بسیاری از ابهامات قضایی در مورد تعدد عنوانی جرم را به خود اختصاص داده است یکی از چالش‌برانگیزترین مواد این قانون است. قانونگذار در ماده مذکور تعریفی از تعدد عنوانی بیان داشته و دیگر برای حل چالش‌ها و ابهاماتی که ممکن است در رویه قضایی به وجود آیند راهکاری ارائه نداده است. در این مقاله تلاش شد تا حد امکان با تکیه بر قانون و کشف مراد قانونگذار راهکارهایی جهت حل ابهامات و برون‌رفت از آنها ارائه شود:

۱. در تعدد عنوانی جرم برای تشخیص مجازات اشد از بین عناوین مجرمانه، تنها باید ملاک و ضابطه را ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن دانست.
۲. مجازات‌های تبعی بر عنوان اشد بار می‌شوند و اگر عنوان اشد فاقد مجازات تبعی بود، مجازات تبعی عنوان اخف بر مرتکب اعمال می‌شود.
۳. هرگاه مجازات اشد به هر علت قانونی تخفیف پیدا کرد یا اجراءناشدنی گردید، دیگر رجوع به مجازات اخف موجه نیست.
۴. مرز بین تعدد اعتباری و تعدد نتیجه این است که در تعدد اعتباری رابطه علیت بین عناوین مجرمانه وجود ندارد، اما در تعدد نتیجه چنین علیتی یافت می‌شود.

۱. جرایمی هستند که وقوع نتیجه شرط تحقق جرم نیست؛ مانند جرم جعل که استفاده از آن شرط تحقق جرم نیست.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*، جلد سوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
- باهری، محمد. (۱۳۴۰). *تقریرات حقوق جزای عمومی*، تهران، نشر برادران انعامی.
- بسامی، مسعود. (۱۳۹۳). *تعدد اعتباری جرم در رویه قضایی و دکترین*، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- پیمانی، ضیاءالدین. (۱۳۷۴). *بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم*، چاپ اول، قم، انتشارات معاونت پژوهشی مجتمع آموزش عالی قم.
- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۸۹). *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات مجد.
- شمس ناتری، محمدابراهیم. (۱۳۹۳). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی*، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
- صانعی، پرویز. (۱۳۷۲). *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- طاهری نسب، سید یزدالله. (۱۳۸۱). *تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشور.
- عباسی، اصغر. (۱۳۹۳). «نقدی بر مقررات تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی ۹۲»، فصل‌نامه تعالی حقوق، شماره ۷: ۱۷۸-۱۵۵.
- عبداللهی، اسماعیل. (۱۳۸۲). *مبانی و مصادیق تشدید مجازات در حقوق کیفری ایران*، چاپ اول، تهران، انتشارات آریان.
- علی آبادی، عبدالحسین. (۱۳۸۵). *حقوق جنایی*، جلد دوم، تهران، چاپ گیتی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *فرهنگ لغت دهخدا*، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر دانشگاه تهران.

- ۷.
- فخر، مدرس. (۱۳۵۵). «غیر قابل اجرا شدن مجازات اشد»، *ماهنامه قضایی*، شماره ۱۳۰: ۱۲-۷.
- قاسم پور گنجی، سید حبیب الله. (۱۳۹۳). *قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ در آینه نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه*، چاپ اول، تهران، انتشارات معین پرداز.
- قیاسی، جلال الدین. (۱۳۸۸). «بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه»، *فصلنامه حقوق اسلامی*، شماره ۲۰: ۱۴۸-۱۳۳.
- مصدق، محمد. (۱۳۹۳). *شرح قانون مجازات اسلامی با رویکرد کاربردی*، چاپ هفتم، تهران، انتشارات جنگل-جاودانه.
- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۹۳). *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ بیست و ششم، تهران، انتشارات میزان.
- نوربها، رضا. (۱۳۸۲). *زمینه حقوق جزای عمومی*، چاپ هشتم، تهران، نشر دادآفرین.